



تعادل درونی از مهمترین اثرات زیست فیلسوفانه است

حجت‌الاسلام شریفی ضمن اشاره به تأثیر حکمت متعالیه در زیست اجتماعی تصریح کرد:

حجت‌الاسلام شریفی ضمن اشاره به تأثیر حکمت متعالیه در زیست اجتماعی تصریح کرد: تعادل درونی از مهمترین اثرات زیست فیلسوفانه در حکمت متعالیه است و این امر به دلیل شناخت خوبی است که آنها از قوای درونی دارند.

به گزارش ایکننا، مراسم بزرگداشت روز جهانی فلسفه با عنوان «فلسفه و اخلاق اجتماعی» روز دوشنبه ۳۰ آبان ماه با حضور غلامرضا اعوانی، حجت‌الاسلام و المسلمین عسکر دیرباز، محمدجواد لاریجانی، حجت‌الاسلام و المسلمین احمدحسین شریفی و سیداحمد غفاری در مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران برگزار شد.

در این نشست شریفی، رئیس دانشگاه قم در ابتدا به بحث درباره فرآورده‌های مختلف تعقل پرداخت و اظهار کرد: فرآورده تعقل ممکن است هستی باشد که در نتیجه فلسفه ما هستی‌شناسی است. گاهی فرآورده تعقل ذهن است که فلسفه ذهن را پدید می‌آورد. گاهی فرآورده تعقل معرفت است که فلسفه معرفت را شکل می‌دهد. گاهی نیز در موضوع اخلاق تعقل می‌کنیم و فلسفه اخلاق پدید می‌آید.

وی در ادامه به بحث از چیستی اخلاق پرداخت و گفت: طبق تعریفی که در گذشته برای اخلاق بیان شده بود اخلاق منحصر در خلقیات بود، یعنی صفات راسخ در نفس یا ملکات نفسانی. بر این اساس اخلاق را به عنوان شناخت ملکات نفسانی به منظور تخلق به خوبی‌ها و زدودن بدی‌ها تعریف می‌کردند. به تعبیر دیگر اخلاق را به سرشت باطنی تعریف می‌کردند. در دوران جدید بیشتر نگاه به بعد بیرونی اخلاق است یعنی ثمره صفات و ملکات اکتسابی و درونی.

وی افزود: اخلاق اجتماعی می‌تواند دو معنا داشته باشد، یکی صفات و خلقیاتی که متعلق آن اجتماع است. معنای دیگر رفتارهای اجتماعی است که از جهت فضیلت و رذیلت ولو یکبار از سوی ما انجام بگیرد. عرض بنده این است با این تنوع در حوزه فلسفه و اخلاق، آثار رفتاری و عملی فرآیند فلسفه ورزی و فرآورده‌های فلسفه اسلامی مخصوصاً صدرایی چیست؛ یعنی از یک فیلسوف حکمت متعالیه که معارف و آموزه‌های متعالیه را قبول دارد در مقام عمل و رفتارهای ناظر به دیگران چه انتظاری می‌رود. به عبارت دیگر اقتضائات و دلالت‌های فلسفه صدرایی در حوزه اخلاق اجتماعی چیست. مردم حاضرند بمیرد ولی فکر نکنند

وی ادامه داد: یکی از مهمترین ویژگی‌های آدمیان خردورزی و عقلانیت است به گونه‌ای که انسان را به حیوان ناطق تعریف می‌کنند. اساساً فصل ممیز انسان با سایر موجودات عقلانیت است. با این حال واقعیت قضیه این است اگر تاریخ انسان را مطالعه کنیم تاریخ بشر چندان بویی از عقلانیت ندارد. راسل می‌گفت اکثر مردم حاضرند بمیرد ولی فکر نکنند. از این جهت اقتضائاتی که عقلانیت دارد در زندگی اجتماعی آدمیان به ندرت پیدا می‌کنیم. اگر در بین انبای بشر نگاه کنیم فیلسوفان حق این ویژگی را ادا کردند. فلاسفه متعالیه غالباً اینگونه هستند که خردورزی در زندگیشان نمایان است. مهمترین ویژگی خردورزی این است که انسان اهل خرد مہار درون و بیرون را در دست دارد. در این وضعیت اقتضائات قوای نفسانی تحت کنترل عقل می‌گیرد، لذا فیلسوف متعالیه یک زندگی متعادل عادلانه دارد. نه تنها در درون عدالت می‌ورزد در بیرون هم عدالت می‌ورزد. در زندگی خانوادگی هم همینطور است. به ندرت پیدا می‌کنید فیلسوف صدرایی رفتارهای خانوادگی ناهنجار داشته باشد.

شریفی تصریح کرد: تعادل درونی از مهمترین اثرات زیست فیلسوفانه در حکمت متعالیه است و این امر به دلیل شناخت خوبی است که آنها از قوای درونی دارند. لذا فیلسوفان صدرایی قوای نفس را به خوبی می‌شناسند و به دلیل ورزیدگی که در قوه عقل به دست آوردند می‌توانند کنترل سایر قوا را هم در دست بگیرند.

وی افزود: ویژگی دیگر فلسفه صدرایی که آثار اجتماعی مهمی دارد جامع‌نگری است. به تعبیر امام خمینی کسانی که فقط متکلم بودند ضربه کمی به اسلام زدند، کسانی که فقط فیلسوف بودند هم ضربه زدند، کسانی که فقط در خط عرفان و تصوف رفتند هم ضربه زدند، کسانی که فقط فقه خواندند هم ضربه زدند. اسلام یک نگاه جامع و همه‌جانبه نگر را مطالبه می‌کند و کسانی که چنین نگاهی دارند بیشترین فهم را از اسلام دارند و فلسفه صدرا اینگونه است.

تقابل عقلانیت اسلامی با عقلانیت سکولار

در ادامه این نشست محمدجواد لاریجانی، رئیس پژوهشگاه دانش‌های بنیادی سخنرانی کرد و گفت: امام خمینی ساختن کشور را بر اساس این نظام می‌خواستند، نه هر نظامی؛ لذا جمهوری اسلامی تجربه بزرگی است که ملت ما وارد آن شد هرچند در عمل مشکلات زیادی داریم. خیلی‌ها فکر می‌کردند بعد از چهار دهه شکست خورده خواهیم بود ولی الآن کشور ما به یک قدرت عظیم در غرب آسیا تبدیل شده است. پس معلوم می‌شود عقلانیت اسلامی در برابر عقلانیت سکولار موفق عمل کرده است. کار به جایی رسیده است که جمهوری اسلامی ایران در کنار چین و روسیه به یکی از تهدیدات جدی ایالات متحده تبدیل شده است.

وی افزود: به همین دلیل است که پیروان عقلانیت سکولار از ابتدای انقلاب برای ما چالش‌هایی ایجاد کردند. یکی از آنها این بود که می‌گفتند اسلام جهان شمولی ندارد. ادعایشان این بود که اگر بخواهم در دنیای فعلی زندگی کنیم باید عقلانیت ما مورد قبول جهان باشد. در غیر این صورت نمی‌توانیم در نظم جهانی مندرج شویم. این شباهت از قبل انقلاب مطرح بود و بعد انقلاب هم با قوت مطرح می‌شد. این شباهت را طرفداران سکولاریسم در ایران مطرح می‌کردند.

وی ادامه داد: ما در جمهوری اسلامی در دوره‌های مختلف میلیاردها خرج کردیم همین فکر را گسترش دهیم. در اواخر دوره آقای هاشمی کارگزاران با همین پرچم روی کار آمدند. در دوران خاتمی سکولارها آنقدر سرمست شدند که دچار هاری شدند. آقای احمدی نژاد هم خودش به این جریان پیوست. بنابراین ما در این چهار دهه مقداری زیادی پول برای تبلیغ همین فکر هزینه کردیم. این تهاجم که پشتوانه دولت‌های غربی را دارد یک بعد فکری دارد که باید ریشه آن را دقیق بفهمیم و بعد ببینیم کجای آن اشکال دارد.

لاریجانی تأکید کرد: مفهوم سکولاریسم از دوران سقراط مطرح شد. اولین میدان سکولاریسم، علوم مادی بود. ادعا این بود اگر پدیده‌ای مادی است دنبال علل مادی آن باشیم و بیش از این پیش نرویم. البته این تفکر بدی نیست و فهم کاربردی برای علم است. این فهم گرچه عمیق نیست ولی دستاوردهای وسیعی داشته است. در علوم انسانی که فعل اختیاری انسان موضوع پدیده‌ها است یک حالت نفسانی داریم که منجر به عمل جسمانی می‌شود. برای سکولار کردن علوم انسانی باید بگوییم پدیده نفسانی هم مادی است. پس سکولاریسم موفق در علوم مادی، در علوم انسانی خیلی مشکلات ایجاد می‌کند.

وی در ادامه اظهار کرد: بحث بعدی سکولاریسم لیبرال است. سکولاریسم لیبرال شش اصل مهم دارد. اصل اولش مسئله اصالت عمل است، یعنی انسان به عملش است. عمل ارادی مجلای همه ویژگی‌های معنوی انسان است. اصل دوم، سکولاریسم است یعنی ما سعادت عمومی نداریم، سعادت فردی است. برنامه‌های عمومی سعادت وجود ندارد و تو معمار سعادت خودت هستی. اصل سوم معتقد است برای اینکه هر انسان توفیقانش به حداکثر برسد باید وسیع‌ترین میدان آزادی عمل را فراهم کنیم. اصل بر این است انسان هرچه دوست دارد انجام دهد. اصل چهارم اصل عدم اضرار است. تنها چیزی که آزادی ما را محدود می‌کند این است به دیگری ضرر وارد نکنیم. اصل پنجم این است چون حدودی برای آزادی وجود دارد باید پلیس بگذاریم کسی از دایره آزادی عملش بیرون نیاید، لذا در اینجا نیازمند دولت هستیم. اصل ششم نیز مشروعیت بر اساس رضایت است. ما دولتی را می‌پذیریم، چرا؟ چون مردم رضایت دادند. البته این لیبرالیسم هم داخل خودش تطوراتی داشته است.